سلسله مسؤلیت های مجاهد

۵

چی کسی باید بهای حاکمیت شریعت اسلامی را بپردازد؟

شیخ
ابراهیم الربیش
رحمه الله

مکتبة دار الصدق
Daar-ul-Sedq

مشخصات کتاب

اسم کتاب: چی کسی باید بهای حاکمیت شریعت اسلامی را بپردازد؟

نویسنده: الشیخ ابراهیم بن سلیمان الربیش «رحمه الله»

مترجم: مولوی عبدالحنان «حفظه الله»

سال چاپ: سال 1437 هـ ق

نوبت چاپ: اول

تیراژ: 2000 جلد

ناشر: اداره نشراتی دار الصدق

Daar-ul-Sedq

آدرس انترنت: صفحهٔ تویتر: www.twitter.com/daarulsedq

صفحهٔ فیسبوک: www.facebook.com/daarulsedq

با چاپ و نشر این رساله در جنگ علیه صلیبی ها خود را سهیم سازید!

الحمد الله رب العالمين و الصلاة و السلام على الصادق الأمين نبينا محمد و آله و صحبه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد:

اسلام نعمت بزرگی است که هیچ نعمت دیگری معادل آن شده نمی‌تواند، اسلام انگیزهء پیدایش مخلوقات است.

نعمتی است که اگر از بنده گرفته شود مانند چهار پایان خواهد شد، راست گفته اند: **«چه دین بزرگیست ای کاش مردان بزرگی می‌بود که او را حمل می‌کردند، این دین چقدر عظیم است اگر اهل آن در سربلند کردنش تلاش کنند».**

چه دین بزرگیست که همه ابعاد زندگی را تنظیم نموده، مصلحت‌های عام و خاص را بهم ربط داده و بشکل بسیار زیبا همه را مرتب نموده است.

این دین هیچ گوشه‌های از زندگی انسان را رها نکرده مگر اینکه آن را اصلاح نموده است؛ از لحظهء بیدار شدن بنده تا هنگام خواب، هیچ لحظهء از لحظه‌های زندگی وجود ندارد مگر اینکه مفهوم اسلام در آن آشکار است بلکه حتی احکام اسلام در زندگی بنده به لحظهء خوابش وارد می‌شود.

پس خوابی را که می‌بیند اسلام بر آن حکم می‌کند، که قسمتی از خواب اعتبار ندارد و نوع دیگری مسلمان را بشارت می‌دهد ولی هیچ حکم شرعی به اساس آن اتخاذ نمی‌گردد، و قسمتی از خواب واجب است که از آن دوری نماید.

پس بگویید که کدام دین از اسلام بزرگتر است؟

تسلیم شدن کامل به احکام و اوامر الله تعالی

براستی که مسلمان واقعی کسی است که اللّه ﷻ را آنگونه که شایسته و سزاوار عبادت است پرستش می‌کند. **و این دین را آنگونه که از جانب اللّهﷻ آمده است، بر می‌گیرد و در این راه هیچگونه اهمیتی به هوا و هوس خود و نیز به خواهش‌ها و آروزهای دیگران نمی‌دهد و هرگز آراء و نظرات پلید مردم را بر حکم اللّه ﷻ و رسولش ﷺ مقدم نمی‌شمارد.**

مسلمان واقعی کسیست که احکام و فرامین اللّه ﷻ را بدون درنگ و فکر کردن قبول نموده و اجرا می‌کند. برای تسلیم شدن به آن احکام همین قدر کفایت می‌کند که بداند که احکام الهی اند و بس.

اللّه ﷻ می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ﴾[الاحزاب:٣٦]

«هیچ مرد و زن مؤمن، در کاری که اللّه و پیامبرش قضاوت و یا فیصله کرده باشند (و آن را مقرّر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارد (و اراده ایشان باید تابع اراده اللّه ﷻ و رسول او ﷺ باشد)».

بلکه بالاتر از این باید بوده از دل و جان نیز کاملاً تسلیم باشند.

اللّه ﷻ می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا﴾[النساء: ٦٥]

(امّا، نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی‌آیند تا تو را در اختلافات و درگیریه‌ای خود به داوری نطلبند و سپس رنجشی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند).

برای صحیح شدن ایمان لازم و ضروری است که هر گونه حرج و نارضایتی را از نفس خویش دور نموده و کاملا تسلیم احکام الهی شود.

همانا مسلمان حقیقی کسی است که اللّه ﷻ را با بندگی کامل عبادت می‌نماید و تمام دین را آنگونه که از جانب اللّه ﷻ آمده است در پیش

می‌گیرد، بدون این که گوشهء از آن را رها کند یا بین چیزی و چیز دیگر از آن فرق بگذارد. پس اینگونه نیست که نظام اجتماعی را از اسلام و نظام اقتصادی را از غرب گیرد. یا نماز را فرض بداند و جهاد را حرام بشمارد. بلکه تمام این امور را از الله ﷻ می‌گیرد.

الله ﷻ می‌فرماید:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةً﴾[البقرة: ۲۰۸]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همهء اسلام را به تمام و کمال بپذیرید».

علامه ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیت مبارکه می‌فرماید:

«الله ﷻ به بنده‌های مؤمنش و تصدیق کنندهء رسولش ﷺ دستور می‌دهد تا: تمام جوانب اسلام و شرائع آن را به طور کامل برگیرند و تا جایی‌که در توانشان است به اوامر آن عمل نموده و از نواهی‌اش دوری گزینند».

کسی‌که چیزی از شرائع اسلام را به هر دلیلی ترک کند: در این کار به یهودیان می‌ماند، که الله ﷻ در مورد شان می‌فرماید:

﴿أَفَتُؤۡمِنُونَ بِبَعۡضِ ٱلۡكِتَٰبِ وَتَكۡفُرُونَ بِبَعۡضٖۚ..﴾[البقرة: ۸۵]

«آیا به بخشی از (دستورات) کتاب (آسمانی) ایمان می‌آورید و به بخش دیگر (دستورات آن) کفر می‌ورزید؟».

بناءً بندهء واقعی، به همه دستورات و فرمان‌های الهی امر نموده، بدون اینکه میان هیچ یک از این اوامر جدایی اندازد و یا فرق بین آنها بگذارد.

مسلمان واقعی کسیست که به دین الله ﷻ چنگ زده پروای خوشنودی و نارضایتی کسی را نداشته باشد، الله ﷻ می‌فرماید:

﴿فَٱدۡعُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾[غافر: ١٤]

«اکنون که چنین است، الله ﷻ را به فریاد بخوانید و عبادت و طاعت را خاصّ او بدانید، هر چند که کافران دوست نداشته باشند».

بلی خوشی و خفگی بشر و یا جامعه، در دین مسلمان مخلص هیچ نقشی ندارد.

کفار چه می‌خواهند؟

به راستی ملت‌های کفر که در عصر حاضر پرچم جنگ علیه اسلام را برافراشته‌اند، مسلمانان را از این منع نمی‌کنند که گوشهء از دین اسلام را برگیرند، بلکه هراسشان از این است که مسلمانان اسلام را به طور کامل برگیرند وبه آن عمل نمایند، پس کسی که فقط به شعایر وآداب و عباداتی خاص از دین اکتفا می‌کند، می‌تواند با کافران در امنیت و آرامش زندگی - کند حتی اگر بدون وقفه نماز به جای آورد و یا بدون افطار تمام روزهایش را روزه بگیرد. ترس کافران از کسانی است که اسلام را به طور کامل عملی می‌نمایند وبه نماز، روزه، جهاد و ولاء و براء دین تمسک می‌جویند واین هنگام است که احساس خطر می‌کنند و نیروهای کفری خود را برای جنگ علیه این دین پاک و خالص که هوا و هوس یا خشنودی کافران را تأمین نمی‌کند، روانه می‌سازند.

الله ﷻ وقتیکه فرمود:﴿ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةً...﴾

«همگی اسلام را به تمام و کمال بپذیرید».

به تعقیبش فرمود:

﴿ولا تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾[البقرة: ٢٠٨]

«پیروی شیطان را ننمائید زیرا او دشمن آشکار شما است».

بلی شیطان در دلهای عدهء از مسلمانان جا گرفته، وسوسه‌ها ایجاد کرده و در نتیجهء آن وسوسه‌ها، مسلمانان یکعده احکام الهی را به این خاطر که کفار از آنها ناراض نگردند، و یا بخاطر خوف و ترس از سخن‌های زشت آنها نجات یافته باشند، ترک کرده اند.

بزرگترین مصیبت عصر حاضر آن است که حاکمیت شریعت الله ﷻ از حیات ما مسلمانان غایب شده و کافران در دینمان حکمرانی می‌کنند و ما را به پابند بودن به قوانین دست‌ساز شان که در آن غیر الله ﷻ پرستش می‌شود،مجبور می‌کنندو مسلمانان نیز تسلیم آن شده‌اند تا آنجا که امر حاکمیت شریعت الله ﷻ از بسیاری مسلمانان مخفی مانده است و مسلمانان در وضعیتی سیکولار و علمانی (دین از سیاست جدا) به سر می برند و بسیاری از آنان این وضعیت خود را درک نمی‌کنند.

غرب از چه چیزی نفرت و ترس زیادی دارند؟

غرب به شدت از اسلام می‌ترسد اما نه از نماز و روزه، بلکه ترس آنان از برپایی حاکمیت شریعت به طور کامل است چرا که آنان می‌دانند با برپایی حکم الله ﷻ، سلطنت و پادشاهی آنان از میان می‌رود و این به آن معنی است که آنان باید از مسلمانان دست بکشند و دیگر نمی‌توانند بر سرزمین‌های شان حکمرانی نمایند و از ثروت‌های شان چیزی به دست آورند مگر اینکه بهای آن را پرداخت کنند.

غربی‌ها این قضیه را خوب میدانند و تا توان دارند در راه حاکمیت شریعت اسلامی دیوارها و موانع ایجاد می‌کنند، متأسفانه که عدهء زیادی از علماء و دعوتگران مسلمان از این قضیه کاملاً غافلند و یا خود را به غفلت زده اند.

آنها گمان می‌کنند که از طریق سخنرانی‌ها، درس‌ها و یک عده منشورات، می‌توانند بدون اینکه هزینهء قابل توجهی پرداخت کنند به حاکمیت شریعت الله ﷻ دست یابند و بر همین مبنا تعدادی از آنان چنین گمان می‌کنند که وقتیکه مردم جامعه به قدر حاکمیت شریعت اسلامی فهمیدند می‌توانند بالای حکومت فشار بیاورند تا شریعت اسلامی را حاکم سازد و در صورت

ابا ورزیدن حکومت، میتوانند حکومت را سقوط دهند زیرا همین مردم عام جامعهء دیروز توانستند طواغیت بزرگی را از پا در آورند.

به الله ﷻ سوگند که آرزو کردم که ای کاش سخنانشان درست و حق می‌بود.

باری دور میز مدوری نشسته بودیم به یکی از این قماش علماء سوال ذیل را مطرح نمودم.

آیا شریعت بدون جهاد حاکم خواهد شد؟

در جواب گفت بلی بدلیل اینکه پیامبرﷺ به ملت‌های کفری نامه فرستاد. اگر نامه‌ها فایدهء در این راستا نمیداشتند هرگز پیامبرﷺ به آن دست نمی‌برد.

از این سخن‌ها که به نادانی گوینده‌اش دلالت می‌کرد به تعجب افتادم زیرا من خوب میدانستم که نامه‌های پیامبر ﷺ چه قصهء داشت.

سید قطب رحمه الله فرموده اند:

«ای کاش از روزهای اول دعوت اسلامی با زبان راه آسانی در برابر دعوت گران وجود میداشت تا باپیمودن آن ملت‌ها را به اسلام گرویده می‌کردند.

ولی ای برادر خواننده باید بدانی که این آرزوها بیهوده بوده و جایی را نمی‌گیرد. ملت‌ها هرگز از جاهلیت و عبادت طواغیت به طرف اسلام و عبادت الله ﷻ رو نمی‌آورند مگر از طریق همان راه بسا دراز و آهسته که هر بار دعوت‌های کامیاب اسلامی آنرا پیموده اند چنانچه یک شخص آنرا آغاز کرده و گروه کوچکی با او همگام میشود سپس آن گروه بزرگ شده با جاهلیت مقابله می‌نماید مشکلات بسا زیاد را متحمل می‌شود و بالآخره دست به سلاح برده تا آن با زبان، قلم و سلاح به مبارزه ادامه می‌دهد که اللهﷻ آنها را پیروز نموده و مردم فوج فوج در اسلام داخل می‌شوند».

آیا از طریق انتخابات امکان دارد که شریعت اسلامی حاکم و نافذ گردد؟

برخی دیگر که فهمیده‌اند که غربی‌ها هرگز اجازهء تطبیق شریعت اسلامی را نمی‌دهند بناءً در این تلاش اند تا برخی از شریعت اسلامی را به اجازهء غربی‌ها و به طریقه که غربی‌ها خوشنود گردند تطبیق کنند. یعنی از طریق شرکت در انتخابات و کاندید شدن و داخل شدن به پارلمان و کوشش نمودن ایجاد قوانین که مطابق شریعت باشد. و آن را جهاد در راه الله ﷻ قلمداد می‌کنند بناءً در رفتن به پارلمان‌ها مسابقه می‌کنند و به عبارت دیگر در مجالس و محافلی شرکت می‌کنند که در آن قوانین غیر اسلامی ایجاد شده، و آنرا نوعی از جهاد فکر می‌کنند، و به امید این که شاید از طریق پارلمان قوانین اسلامی را تصویب نمایند بر احترام قوانین غیر اسلامی سوگند بر می‌دارند و این اعمال کفری را جائز می‌شمارند.

این جنابان از این غافلند که از طریق پارلمان اگرچه که همه شریعت اسلامی را تطبیق نمایند بخاطری تطبیق خواهند نمود که اغلبیت به آن رأی داده اند، نه بخاطری که احکام الهی اند.

ای مسلمانان آیا اگر ما شریعت الله ﷻ را بعد از اجازه گرفتن از دشمنانش و به طریقهء که دشمنانش راضی و خوشنود گردند تطبیق نماییم الله ﷻ از ما خوشنود خواهد شد؟ ما چطور اهلیت تطبیق قوانین اسلامی را داشته می‌باشیم در حالی که سوگند احترام قوانین غیر اسلامی را بر می‌داریم.

شیطان عدهء دیگر را نیز این چنین به بازی گرفته است آن‌ها گمان می‌کنند که قبل از برپایی حکم الله ﷻ، حتما باید رضایت غرب را جلب کنند و نه تنها محبت و دوستی خود را به آنها ثابت کنند، بلکه باید به یاری و نصرتشان نیز بشتابند. با وارد شدن به پیمان‌هایشان و با اعلام این که آنها خواهان نظام اسلامی نیستند، با شتابی عجیب به سوی این هدفشان ـ جلب رضایت غرب ـ می‌شتابند، با این گمان که وقتی آنها موفق به دستیابی

به حکومت شدند شریعت الله ﷻ را نیز برپا می‌کنند. اما حتی اگر موفق به انجام چنین کاری شوند، چگونه الله ﷻ از تحکیم شریعتش راضی خواهد شد وقتی که آنها خود در کفر صریح و آشکاری وارد شده‌اند.

محمد قطب رحمه الله می‌گوید: «به آن عده دعوتگرانی که به دیموکراسی مردم را می‌خوانند از دل و اخلاص می‌گویم: **دیموکراسی‌ای که امروز در روی زمین وجود دارد هرگز شما را به اسلام نخواهد رسانید. زیرا دیموکراسی انسان را از تعهد قبلی به هر دین و اگرچه دین بر حق الله ﷻ نیز باشد منع می‌کند. بلکه اولین چیزی را که دیموکراسی به زیر پا می‌اندازد چنگ زدن به دین برحق الله ﷻ است که بر محمد ﷺ نازل شده است.** بار دیگر از دل و اخلاص به آنها می‌گویم سبب دیگری نیز در دیموکراسی است که مانع رسیدن شما به نظام اسلامی می‌گردد، زیرا کسانی که دیموکراسی را بر ما تحمیل کرده اند درهای دیموکراسی را به طرف فسق و فجور باز گذاشته اند، تنها اسلام است که درِ را به آن‌ها نگشوده اند. قضیه الجزایر هنوز فراموش هیچ کس نشده؛ هر گروه وهر حزب می‌تواند در پارلمان اکثریت کرسی‌ها را از آن خود کند مگر اسلام گراها.

بیائید از صراحت کار گیریم، با خود و مردم صریح باشیم آنچه را که می‌خواهیم اسلام استو بر همین اساس نامی جز اسلام نیز برای آن وجود ندارد. این دعوتگران چنین گمان نکنند که **اگر آنها هویت خود را مخفی سازند و نقاب دیموکراسی بر چهره زنند به آنها اجازه داده می‌شود و می‌توانند مسیر خود را طی کنند؟! هرگز! بلکه سگان شکاری شامهء قوی دارند و از دور تشخیص می‌دهند.** الله ﷻ می‌فرماید:

﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾[الحجر : 94].

«پس آشکارا بیان کن آنچه را که بدان فرمان داده می‌شوی (که دعوت حق است) و از مشرکان رو بگردان (که چه می‌گویند و چه می‌کنند)».

از کتاب «لا إله إلا اللّه عقيدةٌ وشريعةٌ ومنهاج حياة»کتاب بزرگی که شایسته است هر مسلمانی که لا إاله إلا اللّه را بر زبان آورده است آن را بخواند.

نگاهی به انتخابات الجزایر:

همانا لازم و ضروری است که قضیهء «جبهه رهایی و نجات» (جبهة الإنقاذ) در الجزایر از ذهن کسانی که در خصوص حاکمیت شریعت اللّه ﷻ حریص هستند، هیچگاه پاک نشود. زمانی که اعلام جنگی نشده بود و قدرت و توانی فراهم نشده بود و رایحهء اسلام از نتایج انتخابات حس می‌شد، دشمنان اللّه ﷻ با قدرت نظامی وارد میدان شدند تا بر نتایج انتخابات حکمرانی کنند، غرب بر این وضعیت سیطره یافت و هیچگونه مجالی برای شریعت اسلام باقی نگذاشت.

تجاوز وحشیانه بالای کشورها و سرزمین‌های مسلمانان:

در همین راستا تاکنون هیچ جنبشی در خصوص شریعت اسلام اعلام وجود نکرده و ظاهر نشده است مگر اینکه غرب با بهانه‌های مختلف، شدیدترین جنگ‌ها را علیه آنان به راه انداخته است؛ **هنگامی که حکومت طالبان برپا شد با بهانهء پناه دادن شیخ اسامه بن لادن رحمه اللّه، به جنگ با این حکومت پرداختند و حال آنکه پناه دادن شیخ اسامه بن لادن، چیزی جز حکم شریعت اسلام نبود و همانا تنها هدف آنها جنگ علیه این شریعت بود.** در سومال نیز هنگامی که حکومتی با احکام شریعت برپا شد، غرب نیروهای آفریقایی را برای اشغال این کشور به کار گرفت.

در یمن نیروهای حوثی بر قسمت وسیعی از خاک‌های این کشور سیطره دارند اما حکومت یمن با آنها به شکلی بی‌اهمیت برخورد کرد ولی همین که جماعت أنصار الشريعه بر قسمت کوچکی سیطره یافت و با حکم اللّه ﷻ

بر آن حکومت نمود، خشم و غضب صلیبیها و نوکران‌شان به جوش آمد و یمن را از جنگ با حوثیان بازداشتند تا علیه أنصار الشریعه به جنگ و قتال بپردازد که در پی آن کشور نابود گردید و بر خانه‌ها و منازل مسلمانان بمباران سرخود و بی برنامه انجام گرفت و تعداد زیادی از زنان و کودکان که گناهی جز این که سرزمین شان یاری دهندگان شریعت الله ﷻ را در خود جا داده بود، قتل عام شدند. این جنگ جز علیه شریعت الله ﷻ و أنصار آن، آغاز نگردید و اگر به خاطر حرص بر حفظ قدرت و سیادت کشور می‌بود باید این جنگ ابتدا علیه نیروهای حوثی انجام می‌گرفت که چندین سال است بر سرزمین‌های گسترده‌ء از این کشور سیطره دارند و مسلمانان اهل‌سنت زیر اذیت و آزار آنان قرار دارند.

جنگ غربیها برای جلوگیری از تطبیق شریعت است:

اگر فرض کنیم که کفر به ما راست گفته است و افغانستان به خاطر پناه دادن و جا دادن مجاهدین مورد حمله قرار گرفت و مجاهدین سومال و أنصار الشریعة به این خاطر مورد حمله قرار گرفته‌اند که آنها تجارت نفت ـ که از نزدیک سرزمین‌های تحت سیطرهء مجاهدین در جریان بود ـ را تهدید می‌کردند؛

و چه چیزی آن‌ها را برای جنگ علیه جماعت أنصار دین در مالی فراخواند؟ جماعتی که اسم القاعده را بر خود حمل نمی‌کرد و نیز هیچ چیز کشورهای همسایه را تهدید نمی‌کرد و آنها فقط بر قسمت کوچکی از صحراء سیطرهء خود را گسترانیده بودند، نه بر دریا و بر هیچ یک از ثروت‌های صلیبیان دست نیافته بودند. اگر استناد می‌کنند به این که این جنگ به خاطر کمک به یک کشور دوست بوده است همانا کشور یمن دوستی است که سال‌هاست از سوی حوثی‌ها مورد حمله و هجوم قرار دارد، سودان نیز دوستی است که به مدت دهها سال است از سوی مسیحیان

جنوب، با درگیری و مناقشه مواجه است پس این همه حرص برای جنگ علیه مسلمانان به خاطر چیست؟

﴿وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾[بــروج: 8]

«شکنجه گران هیچ ایرادی و عیبی و جرمی بر مؤمنان نمی‌دیدند جز این که ایشان به الله ﷻ قادر و چیره، و شایسته هرگونه ستایشی، ایمان داشتند!!»

دولت‌های کفر آماده می‌شوند و فرانسه با سربازها، هواپیماها و متخصصین خود برای جنگ علیه مالی پیش آمده است، آیا می‌توان قبول کرد که تمامی این‌ها برای کمک به یک کشور دوست بسیار فقیر بوده باشد؟ براستی که این جنگ فقط علیه حاکمیت شریعت است.

و سپس رئیس جمهور فرانسه با تمام وقاحت می‌گوید: ما برای کمک‌های انسان دوستانه آمده‌ایم. کمک‌های انسان دوستانه از کسی انجام می‌گیرد که امنیت و آرامش مردم را تأمین کند و برخی از امکانات و نیازهایشان را فراهم نماید و این در حالی است که سگ‌های نصیری برادرانمان در سوریه را قتل عام می‌کنند و سران غرب جز برخی اظهارات رسانه‌ء نیاز به انجام هیچ کاری نمی‌بینند!! دروغشان چقدر بیشرمانه است.

بر ما لازم است که از بندگان صلیب بپرسیم: چرا همانند آنچه که با مسیحیان جنوب سودان و تیمور شرقی رفتار نمودند، با مسلمانان معامله نمی‌کنند؟ چرا این کار را انجام نمی‌دهند؟ و چرا با وجود اینکه قوانین خود را می‌پرستند و آن را پاک و مقدس می‌شمارند اما هرگاه همین قوانین در جهت مصالح مسلمانان مطرح گردد، تمامی آن را انکار می‌کنند؟!

و مشرکان نیز چنین هستند، هیچ کدام از مشرکان قریش با پدرش در حرم نمی‌جنگید، اما برای کشتن فرزندان قبیله‌هایشان در حرم الله ﷻ جمع می‌شدند، چرا که جنگ علیه اسلام بود.

همه مسلمانان آرزو دارند که به شرع الله ﷻ حکم نمایند و **به راستی هرکس که آرزوی حاکمیت شریعت را ندارد باید بار دیگر در ایمان و اسلام خود تجدید نظر نماید.** الله ﷻ می‌فرماید:

﴿فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ﴾[النساء:59]

ترجمه: و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به الله ﷻ و پیامبر او برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنّت، حکم آن را بدانید. چرا که الله ﷻ قرآن را نازل، و پیامبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به الله ﷻ و روز رستاخیز ایمان دارید.

لیکن چیزی‌که هر مسلمان واقعی را سخت می‌رنجاند این است که آنعده مسلمانانی که نه تنها تطبیق شریعت اسلامی آرمان شان است بلکه حاکمیت شریعت را در ضمن اهدافی قرار می‌دهند که حاضرند برای آنها قربانی دهند و مال و وقت خود را صرف آن اهداف کنند؛ آنها کم اند، و کمی آنها را رنج می‌دهد، اکنون بنگر که کسانی که آماده قربان نمودن سرو جان خود درین راستا اند به چه تعداد اند؟ طبعا آنها بسیار کم و کمتر اند.

قوت‌های کفری بخاطر جلو گیری از حاکمیت اسلام از هیچ نوع جنگ و وحشت دریغ نخواهند ورزید:

من به این دو نوع مسلمانان می‌گویم و هشدار می‌دهم که تاریخ معاصر ما به اثبات رسانیده که کفار به ضد کسانی که حاکمیت شریعت اسلامی را می‌خواهند جنگ شدیدی را به راه می‌اندازند حتی به ضد آنانی که حاکمیت شریعت را از راه مسالمت آمیز می‌خواهند نیز به راه می‌اندازند. بناء امکان ندارد به جز از جمجمه‌های موحدین بالای چیزی دیگری درفش توحید در

اهتزار آید، امکان ندارد که شریعت در سرزمین‌های ما حاکم شود تا آنکه خون‌های پاکی درین راه نریزد.

بناءً به آنچه که گذشت هر حرکت اسلامی که حاکمیت شریعت را می‌خواهد تا آنکه از یک عده احکام آن دست نبردارد ویا در پشت‌سرش قوتی نداشته باشد با جنگ بیخ و بُن کنی روبرو خواهد شد.

تحکیم شریعت اسلامی از ما بهای بسا بزرگ می‌خواهد

امت اسلامی تا آن زمان از نعمت شریعت اسلامی برخوردار نخواهد شد که مجاهدین شجاعی که در صف اول امت اسلامی قرار دارند قربان نشوند، در آنصورت افراد متباقی امت اسلامی از نعمت شریعت اسلامی بر خوردار خواهند شد.

پس همهء مسلمانان باید بدانند که به حاکمیت شریعت ارحم الراحمین بدون قربانی‌ها دست نخواهند یافت، تبدیل نمودن حاکمیت سیکولریزم (لادینی و دیموکراسی) به شریعت الهی قیمت گزافی از مال‌ها و خون‌های ما می‌خواهد اگر ما واقعا صادق بوده و از نفاق نفرت داریم.

اگر کسی گفت: چگونه ما را برای تلاش و مجاهدت در راه حاکمیت شریعت فرامی‌خوانید و شما می‌دانید که این کار، فراخوانی برای جنگ با ملت‌های کفر خواهد بود؟

در جواب می‌گویم: «ولو کره الکافرون» (هر چند که کافران دوست نداشته باشند)، آیا ما باید از دولت‌های کفر انتظار داشته باشیم که به ما اجازه دهند تا شرع الله ﷻ را حاکم کنیم؟ اگر این گونه باشد براستی فریب خورده و خسارتمندی بیش نیستیم. ما چه جایگاهی در این قول اللهﷻ داریم:

الله ﷻ می‌فـرمایـد:

﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾[غافر: 14].

ترجمه: الله ﷻ را به فریاد بخوانید و تنها عبادت و طاعت او را نمائید، هر چند که کافران دوست نداشته باشند.

ما مسلمانان به خاطر خوشنودی معبود بر حق خود دین بر حق او را چنانچه باید حمل کرده و از خلط نمودن با دین و افکار باطل حفظ می‌نمائیم. اگر چه این کار، کفار را به خشم آورد.

معنی این قول الله ﷻ که بعد از هر نماز آن را تکرار می‌کنیم چیست:

«لا إله إلا الله مخلصین له الدین ولو کره الکافرون» یعنی: «هیچ معبود (بر حقی) نیست جز الله ﷻ، عبادت و طاعت را خاصّ او بدانید، هر چند که کافران دوست نداشته باشند».

واقعاً که همچو آیات و احادیث ما را به تطبیق اوامر و احکام الله ﷻ که تحکیم شریعت اسلامی یک جزء آن شمرده می‌شود مامور می‌سازد، و لو این کار کفار را به خشم آورده و به خاطر آن با ما بجنگند.

یکی از مصیبت‌های عصر ما این است که بعضی‌گمان می‌کنند به خاطر اعلان جنگ کافران علیه ما بر سر حاکیت شریعت، جایز است که فرمانبردار آن‌ها شویم و از بر پایی حکم شریعت دست بکشیم، زیرا این کار کفار را به جنگ با ما می‌خواند، و ما توان مقابله با آنها را نداریم.

آیا اگر همه دولت‌های کفر برای جلوگیری از گرفتن روزه رمضان گرد هم آیند، این افراد باز خواهند گفت که جایز است فرمانبردارشان شویم و از ترس آن‌ها روزه را ترک کنیم؟ هرگز بلکه خواهیم گفت: روزه می‌گیریم و اگر همه ما را بکشند ما شهید محسوب می‌شویم. برای برپایی حکم شریعت نیز که به طور کامل امری از جانب الله ﷻ می‌باشد باید اینگونه بود و همانا آیاتی که در مورد برپای حکم شریعت آمده است بیشتر از آیاتی است که به گرفتن روزه امر می‌نماید.

ما باید از مشابهت با یهود خود داری کنیم، آنها تنها به آن آیات تورات جامهء عمل می‌پوشانیدند که موافقهوا و هوس شان می‌بود؛ الله ﷻ در بارهء آنها می‌فرماید:

﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ﴾[البقرة:84]

«آیا به بخشی از (دستورات) کتاب (آسمانی) ایمان می‌آورید و به بخش دیگر (دستورات آن) کفر می‌ورزید؟».

بناء بر آنچه که گذشت حاکمیت شریعت اسلامی از ما قربانی‌های زیادی می‌خواهد، شهیدان زیادی می‌خواهد، آوارگی‌ها می‌خواهد، و این همه قربانی‌ها یگانه قیمتی است که عزت اسلام و مسلمانان به آن خریداری می‌شود جز این قربانی‌ها به قیمت دیگری آن نعمت بزرگ بدست نمی‌آید، و باید دانست که قبل ازین که آن قربانی‌ها بهای عزت اسلام و مسلمانان باشند امر الهی است، وباید به خاطر رضای الله ﷻ به آن اقدام نماییم.

همچنان به خاطر اخراج یهودی‌ها از فلسطین به عین قیمت ضرورت داریم، برای اخراج نُصَیری‌ها از شام به آن ضرورت داریم، به خاطراخراج امریکا از عراق واز پادرآوردن قذافی عین قیمت را پرداخته بودیم.

و الحمدلله که خزانهء امت اسلامی به افلاس روبرو نشده، حاضر به پرداخت همچو قیمت‌ها در آینده است، وباید باشد، زیرا اهداف امت اسلامی در چند روز و چند ماه برآورده نمی‌شود؛

فائده دیگر این قربانی‌ها این است که امت اسلامی را از خواب عمیقش بیدار می‌سازد.

استاد سید قطب شهید رحمة الله می‌فرماید:

«قربانی‌های را که جهاد از ما می‌خواهد تا اهدافش پیاده شده و تنها الله ﷻ عبادت شود، و بشریت از عبادت طواغیت و بت‌های گوناگون نجات یابد، و انسانها از زندگی حیوانی و پستی که دیموکراسی آنها را به آن کشانیده نجات یافته به زندگی شرافتمندانهء که رب آنها بر ایشان خواسته دست یابند، قربانی‌های را که جهاد می‌خواهد همانند آن، بلکه بیشتر از آن را کسانی می‌پردازند که بندگی غیرالله را می‌کنند».

کسانی که در جهاد عذاب، درد، کشته شدن، از دست دادن مال، اولاد، و جان را دیده می‌ترسند باید بدانند که بندگی غیر الله عین قربانی‌ها را از آنها خواسته و علاوه بر آن از آنها می‌خواهد که اخلاق، آبرو و عزت خود را نیز قربان نمایند.

اگر امت اسلامی به ضد همه طواغیت زمین جهاد مقدس را براه بیاندازد آنقدر قربانی نخواهد داد که در بندگی غیر الله ﷻ می‌دهد، علاوه به آن مهر ذلت و بی غیرتی را نیز به جبین خود دارد».

در خاتمه به مسلمانانی که در مقابل ظلم و ناروا و پادشاهان زورگو و ستمگر قیام نموده آنها را از پا در آورده اند فریاد زده می‌گویم:

ای بنده‌های الله ﷻ! باید خوب بدانیم که قضیهء حاکمیت شریعت اسلامی از مسائلی نیست که ما اختیار نپذیرفتن آنرا داشته باشیم، و یا به ما روا باشد تا در باره اش به آراء مردم رجوع کنیم. بلکه حاکمیت شریعت اسلامی یکی از مسائل قطعی و ثابت شده در اسلام بوده، و یکی از فرائض ربانی بشمار می‌رود.

پس کسی که آنرا از دل و جان ظاهر و باطن قبول کرد مسلمان پنداشته می‌شود، و کسی که آنرا رد کرد و نپذیرفت از محدودهء اسلام

خارج می‌شود اگر چه روزه گرفته، نمازها بر پا نماید، زکات داده، و حج برود، و خود را مسلمان پندارد.

ما را الله ﷻ در مقابل دو چیز قرار داده می‌فرماید:

﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ﴾[المائدة:٥٠].

آیا (آن فاسقان از پذیرش حکم تو بر طبق آنچه الله ﷻ نازل کرده است سرپیچی می‌کنند و) جویای حکم جاهلیت (ناشی از هوی و هوس) هستند؟ آیا چه کسی برای افراد معتقد بهتر از اللّهﷻ حکم می‌کند؟

پس یا اینکه زیر چتر شریعت اللّه ﷻ زندگی کرده آنرا حَکَم نماییم و یا اینکه در زیر چتر حکم وضعی و کفری زندگی خواهیم کرد. خواسته باشیم یا نخواسته باشیم.

ناشر

Daar-ul-Sedq

اداره نشراتی دارالصدق

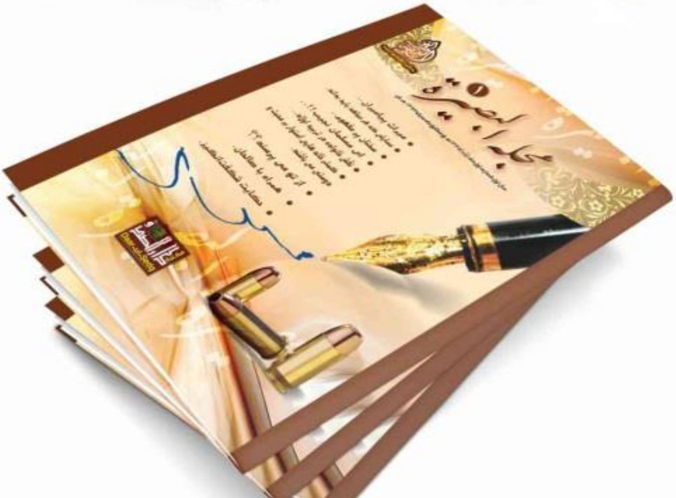

www.facebook.com/daarulsedq
www.twitter.com/daarulsedq

مكتبة دار الصدق
Daar-ul-Sedq